

فضیلت

بررسی‌های اخلاقی و معرفت‌شناختی

ش. با تلی

ترجمه

امیرحسین خداپرست



نشر کردن

Heather Battaly

Virtue

Polity, 2015

سرشناسه: باتلی، هیتر دی، ۱۹۶۹ - م.

Battaly, Heather D.

عنوان و نام پدیدآور: فضیلت: بررسی‌هایی اخلاقی و معرفت‌شناختی/ترجمه هتر باتلی؛ مترجم امیرحسین خداپرست؛ ویراستار مالک حسینی.

مشخصات نشر: تهران: نشر کرگدن، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۲۸۸ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک: 978-600-99961-9-3

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Virtue, c2015.

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت: نمایه.

موضوع: صفات حمیده

موضوع: Virtues

شناسه افزوده: خداپرست، امیرحسین، ۱۳۶۳ - ، مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ف۲ب/۱۵۲۱ BJ

رده بندی دیویی: ۱۷۹/۹

شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۳۲۰۴۸

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

نشر کرگدن: تهران، صندوق پستی ۱۷۱۶-۱۳۱۴۵

www.kargadanpub.com

telegram.me/kargadanpub



مجله آثار منظر اخلاقی - ۱

دبیر مجله: امیرحسین خداپرست

(عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران)

فضیلت: بررسی‌های اخلاقی و تربیتی شناختی

نویسنده: هتر باتلی

مترجم: امیرحسین خداپرست (عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران)

ویراستار علمی: مالک حسینی

ویراستار زبانی: شادی جاجرمی‌زاده

مدیر هنری: سحر ترهنده

ناظر چاپ: علی محمدپور

لیتوگرافی: نقش سبز

چاپ و صحافی: نقش جوهر

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۹۶۱-۹-۳

چاپ اول: ۱۳۹۷

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

فهرست

۱	مقدمه و ترجمه
۹	سپاسگزاری
۱۳	۱. فضیلت چیست؟
۱۳	۱-۱. تعریفی مقدماتی از فضیلت
۲۳	۱-۲. دو مفهوم کلیدی از فضیلت
۴۹	۱-۳. آیا باید یکی از دو مفهوم کلیدی را انتخاب کنیم؟
۵۳	۱-۴. چرا باید دغدغه فضایل داشته باشیم؟
۵۷	۲. غایات مهم‌اند: فضایل به غایات یا آثار خوب می‌انجامند
۶۱	۲-۱. فضایل به غایات خوب می‌انجامند: قسم غایت‌شناختی
۸۹	۲-۲. فضایل به آثار خوب می‌انجامند: قسم غیرغایت‌شناختی
۹۴	۲-۳. بخت و اقبال در دستیابی به غایات یا آثار
۱۰۹	۳. انگیزه‌ها مهم‌اند: فضایل مستلزم انگیزه‌های خوب‌اند
۱۰۹	۳-۱. فضایل مستلزم انگیزه‌ها و اعمال خوب‌اند، اما مستلزم رسیدن به غایات خوب هم هستند؟
۱۰۵	۳-۲. فضایل مستلزم انگیزه‌ها و اعمال خوب و دستیابی
۱۱۶	به غایات خوب هستند: لیندا زگربسکی
۱۱۶	۳-۳. فضایل مستلزم انگیزه‌ها و اعمال خوب هستند نه رسیدن به غایات خوب: مونتمارکت و اسلوت
۱۲۲	۴-۳. اشکال‌ها

۴. رذیلت و ناکامی در فضیلت ----- ۱۳۹
- ۴-۱. غایات مهم‌اند: رذایل به غایات یا آثار بد می‌انجامند ----- ۱۴۲
- ۴-۲. انگیزه‌ها مهم‌اند: رذایل مستلزم انگیزه‌های بدند ----- ۱۴۹
- ۴-۳. ضعف اراده و رذیلت ----- ۱۶۰
- ۴-۴. خویش‌تنداری و فضیلت ----- ۱۶۵
۵. فضیلت، عمل درست، و معرفت ----- ۱۷۱
- ۵-۱. مؤلفه‌های فضایل ----- ۱۷۳
- ۵-۲. آیا مؤلفه‌های فضیلت اخلاقی برای عمل درست لازم و کافی‌اند؟ ----- ۱۷۶
- ۵-۳. آیا مؤلفه‌های فضیلت فکری برای معرفت لازم و کافی‌اند؟ ----- ۱۸۹
۶. فضیلت زندگی خوب ----- ۲۰۵
- ۶-۱. زندگی خوب: برخی شاخص‌ها ----- ۲۰۷
- ۶-۲. زندگی خوب: تسن‌های اصلی ----- ۲۱۰
- ۶-۳. آیا فضیلت برابر زندگی خوب کافی است؟ ----- ۲۱۳
- ۶-۴. آیا فضیلت برای زندگی خوب لازم است؟ ----- ۲۲۱
۷. چگونه می‌توانیم فضیلت‌مند شویم؟ ----- ۲۳۳
- ۷-۱. خوگیری ----- ۲۳۴
- ۷-۲. اشکال‌ها ----- ۲۳۹
- ۷-۳. راهبردهایی برای اکتساب فضیلت‌ها: فکری در کلاس‌های دانشگاه ----- ۲۴۵
- منابع ----- ۲۶۱
- نمایه ----- ۲۶۹

مقدمه مترجم

در خود بنگریم و به سر از بگریستن به منافع شخصی مان، در پی حکمت و فضیلت باشیم. بهترین مسیر برای آدمی گفت‌وگوی روزانه درباره فضیلت است (سقراط، دفاعیه).

سقراط در جامعه‌ای بر کاوش در فضیلت و رذیلت تأکید می‌کرد که سخن‌پردازی و لفاظی درباره انواع مسائل اخلاقی، فلسفی و طبیعی، از جمله مسئله فضیلت و رذیلت، سکه رایج، در آن به او شهروندان آتن را بدان فرا می‌خواند گفت‌وگو و تأمل نقادانه در فضیلت‌ها و رذیلت‌ها بود، فارغ از هیاهویی که عالم‌نمایان پیرامون آنها بر پا می‌کنند. آنان در ظاهر از فضیلت می‌گفتند، اما در عمل به عواید و منافع چشم داشتند. که سخن‌پردازی‌شان در این مسائل برایشان به بار می‌آورد. گمان می‌کنم جامعه ما نیز دستخوش چنین وضعیتی است. درباره فضیلت و رذیلت سخن فراوان گفته می‌شود، اما اغلب به نظر می‌رسد آنچه گفته می‌شود بر تصوّرهای محدود، یک‌سویه و غیرنقدانه از فضیلت مبتنی است. تصور بر این است که ۱. فضیلت و رذیلت موضوعی مربوط به اخلاق فردی و مواظبت منبری است و سخن گفتن از آن از منظر فلسفی نابجا و بی‌حاصل

است. ۲. فضیلت‌ها و رذیلت‌های اخلاقی صرفاً در زندگی فردی تأثیرگذارند و پیامدهای غیرفردی ندارند. ۳. فضیلت از اموری است که می‌توان یک‌سویه درباره آن سخن گفت و دیگران را تعلیم داد. ۴. شناخت ما (اعم از گوینده و شنونده) از فضیلت‌ها و رذیلت‌ها کافی است و مشکل فقط در انگیزش و اراده ما است. ۵. آن قدر از فضیلت و رذیلت گفته‌اند که بحث بیشتر درباره آن ما را بیش از گذشته اخلاق‌زده می‌کند و موجب می‌شود، در عمل، از مفاهیم اخلاقی، از جمله فضیلت و رذیلت، روی‌گردان شویم. در اینجا، می‌کوشم به اجمال نشان دهم که همه این تصورات نادرست است. درست است که در جامعه ما کلمات فضیلت و رذیلت بیش از همه در قالب رعا‌ء اخلاقی و از منابر شنیده می‌شود، اما این فقط نشان می‌دهد که ما به ابعاد مهم از فضیلت و رذیلت بی‌توجه بوده‌ایم و آن را در قالبی خاص محدود کرده‌ایم. ایراد قالب چنان فراگیر است که برخی استادان و پژوهشگران فلسفه اخلاق را نیز به این گمان انداخته است که بحث فلسفی از فضیلت و رذیلت به آنچنان در سنت اخلاقی یونان باستان و، متأثر از آن، دوران نخستین فرهنگ اسلامی آمده محدود می‌شود و بین آنها و مسائل جدید فلسفی-اخلاقی ارتباطی وجود ندارد. البته مطالبی که در دهه‌های اخیر درباره فضیلت نوشته شده و به بررسی آن از منظر فلسفی، علمی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و ادبی-روایی اختصار یافته نشان می‌دهد این تصور تا چه حد اشتباه است.

بحث از فضیلت و رذیلت نه تنها در قالب وعظ و خطابه منبری نمی‌گنجد، بلکه این رویین‌ترین نحوه بحث از آنها است که خود از سرچشمه نظرگاه‌های متفاوت به این مفاهیم سیراب می‌شود. تعجیبی ندارد که در غیاب نظرگاه‌های گوناگون فلسفی، علمی و ادبی درباره فضیلت و رذیلت، مواجهه ما با آنها در حصار تنگ محصور شده است و انتظار داریم از فضیلت و رذیلت جز از فراز منابر نشنویم. توجه به سنتی که در دهه‌های

اخیر در قالب فضیلت‌گرایی اخلاقی شکل گرفته و مطالعه آثار متفکران در این باره ما را از این گمان خام به در خواهد آورد. در پرتو این نگاه تازه، در خواهیم یافت فضیلت مسئله‌ای است که دست‌کم سنجش فلسفی آن از حیث مبانی و معانی فرااخلاقی و هنجاری و کاربردی، سنجش علمی آن از حیث خاستگاه‌های زیستی و نسبت‌هایش با پدیده‌های عصب‌شناختی، سنجش روان‌شناختی و جامعه‌شناختی آن از حیث نحوه شکل‌گیری‌اش در ذهن فرد، جایگاهش در میان ساحت‌های درونی او، تأثیرپذیری‌اش از عوامل اجتماعی و اثرگذاری‌اش در گروه‌های کوچک و بزرگ اجتماع، و سنجش ادب -روایت آن از حیث شناخت بهترش از طریق ادبیات مکتوب و نمایشی لازم است. از پس این سنجش‌ها است که مواظظ اخلاقی معطوف به فضیلت را می‌توانند عمیق‌تر باشند و تأثیری ماندگارتر بر مخاطبان بگذارند.

۲. فضیلت‌ها و رذیلت‌ها در جامعه نخستین فردفرد آدمیان مربوط‌اند، اما این مانع از آن نیست که نحوه شکل‌گیری‌شان در درون اجتماع را بررسی‌م و تأثیرگذاری جمعی‌شان را نیز جوی‌ بگیریم. فضیلت و رذیلت، همچون دیگر مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی، امری برخاسته از جامعه‌اند، بدین معنا که تصور افراد از آنها در درون جامعه و از پس تجربه‌ها و آموخته‌های ذی‌ربطشان شکل می‌گیرد. از سوی دیگر، دامنه تأثیرگذاری آنها نیز از فرد فراتر می‌رود. افراد، در مواجهه با یکدیگر، منش و سادات خود را آشکار می‌کنند، با آنها بر دیگران اثر می‌نهند و از طریق آنها، خودآگاه یا ناخودآگاه، دیگران را تغییر می‌دهند و دامنه این تغییرها نهایی ندارد و در عرض اجتماع و طول تاریخ گسترش می‌یابد.

از این گذشته، در نظر داشته باشیم که برخی تغییرهای بزرگ اجتماعی از توجه اجتماع به منش فضیلت‌مندان یا رذیلت‌مندان اشخاص پدید آمده‌اند. بخش قابل توجهی از آنچه کسانی چون مهاتما گاندی و نلسن ماندلا را برای

جوامعشان جذاب کرد و به الگویی برای حرکت و تغییر بدل ساخت منش فضیلمندانه آنان بود. این بدان معنا نیست که همه پدیده‌های اجتماعی به فضیلت‌ها و رذیلت‌های فردی تقلیل‌پذیرند. منظور این است که منش فردی در جای خود نفوذ و تأثیرگذاری جمعی‌اش را دارد و تغییر در منش افراد در خود آنان منحصر نمی‌ماند. احتمالاً به همین دلیل است که برخی از بزرگ‌ترین متفکران تاریخ، و در رأس همه سقراط، ما را، حتی برای مقاصد جمعی، به تأمل شخصی فرا می‌خوانند.

اما این یگانه طریق دفاع از اهمیت اجتماعی فضیلت و رذیلت نیست. فضیلت‌ها و رذیلت‌ها اینک نه فقط به افراد، بلکه به نهادها و روابط اجتماعی نیز نسبت داده می‌شوند. چنان‌که دیگر مفاهیم اخلاقی، همچون خوبی، را به نهادها و روابط اجتماعی نسبت می‌دهیم، می‌توانیم از شغل، گروه علمی، جمعیت، سازمان و دانشگاه فضیلت‌مند نیز سخن بگوییم؛ می‌توانیم مناسبات جمعی را نیز فضیلت‌مند یا رذیلت‌مندانه بخوانیم، و این همه امروزه در زمره تحقیقات درباره فضیلت و رذیلت می‌گنجد. بنابراین، از یک سو، گمان بر این است که دامنه تأثیر فضیلت‌ها از ندگم‌های فردی فراتر می‌رود و پهنه اجتماع را در بر می‌گیرد، تا جایی که برخی فضیلت‌ها، همچون اعتماد، در ذات خود از فرد برمی‌گذرند و قوام‌بخش جامعه‌اند. از سوی دیگر، شکل‌گیری فضیلت‌های فردی تا حد زیادی نیازمند شکل‌گیری اجتماع است که نهادها و مناسبات رایجش فضیلت‌پرور باشد، به گونه‌ای که افراد برای اکتساب منش فضیلت‌مندانه به رنج و تعب نیفتند. می‌توان گفت، به این معنا، وجه فرافردی فضیلت یا رذیلت بر وجه فردی آن تقدم دارد.

۳. تلقی یک‌سویه از فضیلت بحث از آن را به شدت آسیب‌پذیر کرده است. ما به‌طور سنتی به این خو گرفته‌ایم که فضیلت‌ها و رذیلت‌ها اموری‌اند که باید آنها را از طریق گفتار یک‌سویه فردی متفاوت با خود بشناسیم و با درس‌آموزی از آن گفتار را در زندگی‌مان بگنجانیم. روش سقراط، که آموزگار

اصیل فضیلت است چنین نیست. آموزش او اساساً مبتنی بر گفت‌وگو است و از بطن گفت‌وگو درمی‌آید. این گفت‌وگو صوری و یک‌جانبه نیست؛ پدیده‌ای است که در آن طرف مقابل همان قدر در اظهار نظر و پرسش آزاد و محق است که طرف نخست. به علاوه، هر دو سوی گفت‌وگو به یک میزان آماده یادگیری‌اند. تلقی سقراط این نیست که در حال تعلیم دیگری است؛ او بر این گمان است که خود نیز در حال یادگیری است، نه در موضع القا و تلقین. هر دو سوی گفت‌وگو می‌کوشند از درون تعریف‌ها، استدلال‌ها و نقض و ابرام‌ها راهی به سوی فهم چیستی و چگونگی فضیلت‌ها و رذیلت‌ها بیابند. این شیوه گفت‌وگو خود برخاسته از فضیلت است و مظهر گشودگی ذهنی حقیقی انسانی است.

۴. زندگی اخلاقی معالوف عمل است و، از این رو، نیازمند پرورش انگیزش‌های مناسب است. این گستره‌ای است که نظریه فضیلت نیز بر آن تأکید دارد. اما لازمه پرورش این انگیزش‌ها در خود شناخت فضیلت‌ها و رذیلت‌ها و مهارت‌های مرتبط با آنها است. به عبارت دیگر، لازم است، نخست، درکی مناسب از فضیلت‌ها و رذیلت‌ها داشته باشیم و بدانیم واجد چه مؤلفه‌ها و پیامدهایی هستند و، دوم، مهارت‌های لازم را برای فضیلت‌مند بودن بیاموزیم و کاربردشان را از طریق ممارست برای خود آسان کنیم. اینکه در جامعه ما از فضیلت و رذیلت فراوان سخن می‌گویند، این معنای نیست که ما شناختی درست از این مفاهیم داریم. برای نمونه، تصور می‌شود که فضایل عمدتاً به فضیلت‌های اخلاقی محدود می‌شود، در حالی که برخی نظریه‌پردازان فضیلت به درستی خاطرنشان می‌کنند اهمیت فضیلت‌های فکری به هیچ وجه کمتر از فضیلت‌های اخلاقی نیست. از این رو، خواست اخلاقی بودن صرفاً به معنای خواست آراسته شدن به فضیلت‌های اخلاقی نیست و فاعل اخلاقی فضیلت‌مند باید بکوشد خود را به فضیلت‌های فکری نیز آراسته کند، زیرا، نخست، فضیلت‌های فکری قسمی از فضیلت‌های

اخلاقی‌اند و، دوم، برخی فضیلت‌های اخلاقی چنان با فضیلت‌های فکری درآمیخته‌اند که تحققشان آراستگی نسبی به فضیلت‌های فکری را لازم می‌آورد. به بیان دقیق‌تر، فضیلت‌مند بودن از نظر فکری لازمهٔ فضیلت‌مند بودن از نظر اخلاقی است. اما، به‌واقع، ما چه شناختی از فضیلت‌های فکری داریم و تا چه حد آمادگی هضم این نکته را داریم که از نظر اخلاقی موظف‌ایم واجد‌گشودگی ذهنی، فروتنی معرفتی، انصاف فکری، خودآیینی فکری باشیم و اقتضاهایشان را برآوریم؟

علاوه بر این، می‌توان پرسید با وجود همهٔ سخن‌پردازی‌ها و زبان‌آوری‌ها، شناخت ما از فضیلت‌های اخلاقی سنتی چگونه است. آزمایشی ساده است که خود ما واداریم به کمک همهٔ آموخته‌های خانوادگی و تحصیلی و مدنی‌مان، دربارهٔ صداقت، انصاف، شجاعت، فروتنی، خویشتنداری، پاکدامنی و شرافت به صفحاتی از صفحه‌ای بنویسیم و ببینیم واقعاً از این امور چه تصویری داریم. دیدی ندارم که بسیاری از ما، حتی تحصیل‌کردگان و سخنوران ما، بیش از چند خط نمی‌توانیم کلام محصل و روشنی بنویسیم. بگذریم از اینکه شناخت فضیلت دیگر است و شناخت مهارت‌های مرتبط با آن دیگر. با این شناخت از آنچه شبان‌روز بدان دعوت می‌شویم، چه انتظاری داریم که بتوانیم برای معرفی فضیلت به دیگران یا برانگیختن آنان به عمل فضیلت‌مندان گامی استوار برداریم؟ نتیجه‌ای که می‌گیرم این است که در شناخت تجربی و عقلی فضیلت و ردیلت هنوز اندک خفگی، کوچ‌ایم و راهی دراز در پیش داریم. برای پیمودن این راه باید شناخت‌مان را از فضیلت و ردیلت، همچون انگیزش‌هایمان، بیالاییم.

۵. درازگویی دربارهٔ فضیلت و ردیلت در جامعهٔ ما بسیار بوده است. همین درازگویی‌های بی‌پایان است که ما را دچار گونه‌ای اخلاق‌زدگی کرده است، در حالی که اغلب نه شناخت نظریِ درستی از اخلاق و اخلاقی بودن داریم نه زندگی عملی‌مان، در سطح فردی یا اجتماعی، اخلاقی و تحسین‌برانگیز

به چشم می‌آید. راه‌رهایی از این وضعیت روی‌گردانی از اخلاق و مفاهیم اخلاقی نیست، بلکه جدی گرفتن و بازپروری دغدغه آنها است. در این راه می‌توانیم از آنچه دیگران دربارهٔ فضیلت و رذیلت گفته‌اند بیاموزیم و به کمک این آموخته‌ها تصویر پیشینمان را از این مفاهیم بازنگریم. در این صورت، سخن گفتن از فضیلت و رذیلت نه تنها ملال‌آور و تکراری نخواهد بود، بلکه به دغدغه‌ای جدی، همگانی و تأثیرگذار بدل خواهد شد.

این کتاب با نظر به همین نکات ترجمه شده است و گمان می‌کنم، فارغ از صدها دعاوی اش، می‌تواند در خدمت اصلاح تصویر ما از فضیلت و رذیلت باشد. سرانجام استاد فلسفه دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در فولرتون، از متفکران و نویسندگان بنام در نظریهٔ فضیلت است. او در این کتاب به زبانی بسیار ساده و روشن و بی‌ع از چپستی فضیلت و رذیلت سخن می‌گوید، مهم‌ترین نظریه‌پردازان در این زمینه بررسی می‌کند، از نسبت فضیلت با عمل، معرفت و زندگی خوب می‌گوید، و در پایان، از این بحث می‌کند که چگونه می‌توانیم فضیلت‌مند شویم. با توجه به اینکه باتلی در همهٔ اینها هم به فضیلت و رذیلت اخلاقی هم به فضیلت و رذیلت فکری نظر دارد، گمان می‌کنم کتاب از حیث جمع میان سادگی بحث و کامل بودنش در زبان فارسی بی‌نظیر است.

خوشحال‌ام که با انتشار ترجمهٔ فضیلت هتر باتلی بر غنا و کمالات فکری نظریهٔ فضیلت در زبان فارسی قدری افزوده می‌شود. اگر مترجم به همین در این غنا داشته باشد، کامیابی خود را مرهون لطف و مساعدت دکتر ماسک حسینی، ویراستار علمی کتاب، و دست‌اندرکاران نشر کرگدن می‌داند که انتشار کتاب را میسر ساختند. از همهٔ آنان صمیمانه سپاسگزارم.

امیرحسین خداپرست

پاییز ۱۳۹۶